



The Mediating Role of Personality Traits in the Relationship between Parenting Style and Callous-Unemotional Traits

Fatemeh kargar¹ , Ghasem Norouzi¹ , Amir Ghamarani^{1*} 

1. Department of Psychology of People with Special Needs, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

* **Corresponding author:** Associate Professor, Department of Psychology of People with Special Needs, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: a.ghamarani@edu.ui.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: 26 oct 2022
Revised: 18 Jan 2023
Accepted: 02 Mar 2023
Online Published: 30 Feb 2025

Keywords:
Callous-Unemotional Traits,
Parenting Style, Personality Traits.

ABSTRACT

The aim of the present study was to examine the mediating role of Personality traits in the relationship between Parenting style and callous-unemotional traits. The research method was basic in objective and correlational and structural equation analysis in data collection. The statistical population of the research included the male students of the first secondary school studying in Qom in 2021. From this community, 451 people who were diagnosed with conduct disorder using the Children Symptom inventory (SCI-4) and were willing to cooperate were selected using convenient method. Data were collected using the parenting style inventory (PSI), Inventory callous-unemotional (ICU), and Neuroticism-Extraversion-Openness Five-Factor Inventory (NEO-FFI). Pearson correlation and structural equation modeling were performed to analyze the data using SPSS version 21 and AMOS version 24. The results showed that the direct effect of Authoritarian parenting and permissive parenting on Callous-Unemotional traits were positive and significantly. Based on the findings of the present study, the parenting style can protect adolescents with conduct disorder from the severity of callous-unemotional traits through influencing personality traits. Based on the knowledge of the effective factors in callous-unemotional, it is possible with positive methods of parenting, the intensity of these traits is reduced.

Cite this article: kargar, F., Norouzi, Gh., & Ghamarani, S. (2025). The Mediating Role of Personality Traits in the Relationship between Parenting Style and Callous-Unemotional Traits, *Journal of Applied Psychological Research*, (In press). doi: 10.22059/japr.2023.350419.644426



Publisher: University of Tehran Press
DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2023.350419.644426>

© The Author(s).



نقش واسطه‌ای ویژگی‌های شخصیتی در رابطه بین فرزندپروری و صفات سنگدلی-بیرحمی

فاطمه کارگر^۱✉، قاسم نوروزی^۱✉، امیر قمرانی^{۱*}✉

۱. گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه:

a.ghamarani@edu.ui.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

کلیدواژه‌ها:

ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های فرزندپروری، صفات سنگدلی-بیرحمی

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای ویژگی‌های شخصیتی در رابطه بین سبک فرزندپروری و صفات سنگدلی-بیرحمی انجام شد. پژوهش از نظر هدف بنیادی و از لحاظ گردآوری داده‌ها همبستگی و از نوع تحلیل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان پسر متوسطه اول مشغول به تحصیل شهر قم در سال ۱۴۰۰ بودند. از این جامعه، ۴۵۱ نفر که با استفاده از پرسشنامه علائم مرضی (SCI-4) کودکان مبتلا به اختلال سلوک تشخیص داده شده و حاضر به همکاری بودند با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری (PSI)، پرسشنامه سنگدلی-بیرحمی (ICU)، پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی نتو (NEO) و FFI گردآوری و با استفاده از همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری از طریق نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۱ و AMOS نسخه ۲۴ تحلیل شد. نتایج نشان داد نقش مستقیم فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه بر صفات سنگدلی-بیرحمی مثبت و معنادار است. همچنین مطابق نتایج، نقش واسطه‌ای ویژگی شخصیتی در رابطه بین فرزندپروری و صفات سنگدلی-بیرحمی معنادار است. بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، سبک فرزندپروری می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر ویژگی‌های شخصیتی، نوجوانان سلوک را از شدت یافتن صفات سنگدلی-بیرحمی محافظت کند. براساس شناخت عوامل مؤثر در سنگدلی-بیرحمی می‌توان با شیوه‌های مثبت فرزندپروری از شدت این صفات کاست.

استناد: کارگر، ف.، نوروزی، ق.، و قمرانی، ا. (۱۴۰۳). نقش واسطه‌ای ویژگی‌های شخصیتی در رابطه بین فرزندپروری و صفات سنگدلی-بیرحمی. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، (پذیرش شده). doi: 10.22059/japr.2023.350419.644426

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران

© نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2023.350419.644426>

۱. مقدمه

از اواسط دهه ۱۹۹۰، توجه بر مشکلات رفتاری نوجوانان متمرکز شد. مشکلات رفتاری در مدارس و خانواده‌ها تبدیل به مسئله‌ای لاینحل شده بود که لازم بود خدمات درمانی برای آنها فراهم شود. مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان عمده‌ترین علت ارجاع آنها به کلینیک‌های بهداشت روانی است (کمیجانی، ۱۳۸۸). به علاوه در کشورهای صنعتی، یکی از خطرات عمده که منجر به مرگ زودرس و کیفیت پایین زندگی می‌شود، ابتلا به بیماری‌های غیر واگیردار مانند اختلالات روانی و رفتاری است (تابنر و همکاران، ۲۰۱۹). رفتارهای ضد اجتماعی در سنین نوجوانی شایع است، اما در این میان یکی از زیر گروه‌های نوجوانان نسبت به سایر نوجوانان تخلفات شدیدتر و مشکلات مزمن‌تری را نشان می‌دهند (باگلیو و همکاران، ۲۰۱۷). این گروه؛ نوجوانان مبتلا به اختلال سلوک^۳ هستند، که یک سوم تا نیمی از کل مراجعه‌کنندگان به کلینیک را تشکیل داده، همچنین شیوع این اختلال در میان مجرمان جوان بیشتر است (تابنر و همکاران، ۲۰۱۹). اختلال سلوک یکی از رایج‌ترین اختلالات روانپزشکی به حساب می‌آید (یوکی و همکاران، ۲۰۱۹)، که معمولاً در اوایل نوجوانی تشخیص داده می‌شود و با خشونت، نقض هنجارهای اجتماعی و سایر رفتارهای بیرونی همراه است، انجمن روانپزشکان آمریکا^۵ (۲۰۱۳) تخمین می‌زند که بین ۲ تا ۱۰ درصد از افرادی که در ایالات متحده زندگی می‌کنند دارای اختلال سلوک هستند. در سطح جهانی، نشان داده شده است که اختلال سلوک پانزدهمین عامل اصلی ناتوانی در نوجوانان است (ایرسکین و همکاران، ۲۰۱۴). عوامل مختلفی در ایجاد اختلال سلوک دخیل هستند از جمله می‌توان به عوامل بیولوژیکی/ژنتیکی، محیطی، خانوادگی و روانی-اجتماعی اشاره کرد (کهلپوف و همکاران، ۲۰۲۰).

صفات سنگدلی-بیرحمی^۸ به عنوان یک مشخصه و یکی از ویژگی‌های اختلال سلوک در نسخه پنجم ویرایش کتابچه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی^۹ گنجانده شده است (اودا و همکاران، ۲۰۲۲). صفات سنگدلی-بیرحمی با یک الگوی مداوم از رفتار که نشان دهنده بی‌اعتنایی به دیگران و همچنین عدم همدلی است متمایز می‌شوند. افراد با ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی در تنظیم هیجانی و رفتاری مشکلات مشخصی دارند که آنها را از سایر افراد ضداجتماعی متمایز می‌کند و باعث می‌شود شباهت بیشتری به خصوصیات یافت شده در بزرگسالان جامعه‌ستیز نشان دهند (کیمونیز و همکاران، ۲۰۰۸). از صفات سنگدلی-بیرحمی برای توصیف مؤلفه‌های عاطفی جامعه‌ستیزی در بزرگسالان (کیمونیز و همکاران، ۲۰۱۵) و همچنین برای شناسایی یک گروه پرخطر در بین کودکان و نوجوانان که دارای خشونت شدید، انحراف از هنجار و رفتارهای ضداجتماعی هستند، استفاده می‌شود (بانسل و همکاران، ۲۰۲۱). صفات سنگدلی-بیرحمی در کودکان و نوجوانان با میزان تماس بالا با پلیس (فریک و همکاران، ۲۰۰۵) و همچنین با سابقه جرائم جنایی ارتباط دارد (کلیم و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به این که این اختلال و صفات همراه آن هزینه‌های مادی و عاطفی زیادی را بر فرد و جامعه تحمیل و مشکلات بعدی را در جوانی و بزرگسالی (کیمپ و همکاران، ۲۰۲۰) پیش‌بینی می‌کند، شناسایی عوامل تاثیرگذار بر آن مهم است. یکی از عوامل موثر بر اختلال سلوک و صفات سنگدلی-بیرحمی سبک فرزندپروری^{۱۶} است، سبک‌های فرزندپروری روش‌های هستند

1. Taubner et al.
2. Baglivio et al.
3. conduct disorder
4. Yockey et al.
5. American Psychiatric Association
6. Erskine et al.
7. Kohlhoff et al.
8. callous and unemotional
9. diagnostic and statistical manual of mental disorders
10. Awada et al.
11. Kimonis et al
12. Bansal et al.
13. Frick et al.
14. Kliem et al.
15. Kemp et al.
16. parenting style

که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند. این سبک‌ها در شکل‌گیری و رشد شخصیتی، ادراک و رفتار فرد تاثیر فراوان و عمیقی دارند (نی و همکاران^۱، ۲۰۲۲). کیم و چانگ^۲ (۲۰۱۹) نیز نشان داده‌اند که فرزندپروری یکی از عوامل محیطی تاثیرگذار بر صفات سنگدلی-بیرحمی است (کیم و چانگ، ۲۰۱۹). از نظر مسیرهای رشد به سمت صفات سنگدلی-بیرحمی، بررسی‌های در حال انجام اثرات دو طرفه بین پیش‌بینی‌های ژنتیکی و عوامل زمینه‌ای را نشان می‌دهند. مطابق با مکانیسم همبستگی ژن-محیط، تمایلات کودکان برای ایجاد صفات سنگدلی-بیرحمی، نتیجه شیوه‌های منفی والدگری والدین است که به نوبه خود، رشد صفات سنگدلی-بیرحمی را هم در کودکی و هم در نوجوانی تقویت می‌کند (ترینتاکاستا و همکاران^۳، ۲۰۱۹؛ بارونسللی و سی یوسی^۴ (۲۰۲۰)). در همین راستا پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که شیوه فرزندپروری با مشکلات رفتاری و صفات سنگدلی-بیرحمی رابطه دارد و شواهد نیز به نقش کیفیت عاطفی روابط والد-کودک در رشد و بیان صفات سنگدلی-بیرحمی اشاره می‌کند، و تعامل بین این عوامل و عوامل بیولوژیک/ژنتیک را نشان می‌دهد (هنری و همکاران^۵، ۲۰۱۸). به طور کلی، علائم مشکلات سلوک در کودکان با شیوه‌های منفی فرزندپروری از جمله شیوه‌های انضباطی متناقض، بیانات منفی و اجبار همراه است، اما مشکلات سلوک در افراد دارای ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی با کمبود گرمی و حساسیت والدین همراه هستند (والر و همکاران^۶، ۲۰۱۳). مراقبت‌های حساس زودرس با سطح پایین صفات سنگدلی-بیرحمی همراه است (والر و همکاران، ۲۰۱۳؛ کهولهوف و همکاران، ۲۰۲۰). بررسی‌های طولی نشان داده‌اند که انضباط سخت و خشن، شدت سنگدلی-بیرحمی و مشکلات سلوک را با گذشت زمان افزایش می‌دهد (هاوز، ددز، فروست و هاسکینگ^۷، ۲۰۱۱؛ پاردینی و همکاران^۸ (۲۰۰۷)). در مقابل، استراتژی‌های والدگری مبتنی بر پاداش (به عنوان مثال ستایش، صرف وقت با والدین) و گرمی والدین صفات سنگدلی-بیرحمی را کاهش می‌دهند (هاوز و همکاران، ۲۰۱۱). سازگار با این دیدگاه هاوز و همکاران^۹ (۲۰۱۳) دریافتند که محروم کردن در کاهش مشکلات سلوک در کودکان با سطوح بالای صفات سنگدلی-بیرحمی نسبت به سطوح پایین این صفات کمتر مؤثر است، اما استراتژی‌های پاداش به همان اندازه مؤثر بودند، که احتمالاً به دلیل حساسیت کمتر به مجازات است (آلن و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۶). به علاوه ملایمت والدین ارتباط منفی با رفتارهای ضدا اجتماعی در کودکان دارای ویژگی سنگدلی-بیرحمی بالا نسبت به سنگدلی-بیرحمی پایین دارد (پاسلیچ و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۱). در آخر این که گرمی/درگیری بیشتر والدین کاهش سطح صفات سنگدلی-بیرحمی را پیش‌بینی می‌کند (پاسلیچ و همکاران، ۲۰۱۲). از این رو، یافته‌هایی که حاکی از آن است که کودکان دارای ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی کیفیت ضعیف‌تری از روابط والد و فرزند را تجربه می‌کنند، شگفت‌آور نیست. چنان که پورتنوی و همکاران^{۱۲} (۲۰۲۰) نشان دادند شیوه فرزندپروری مستبدانه که اغلب با تنبیه همراه است، بسته به این که از جانب کدام والد صورت بگیرد منجر به اثرات متفاوتی چون فقدان همدلی و سنگدلی می‌شود.

سبک فرزندپروری درک شده یکی از عواملی است که به طور قابل توجهی بر رشد شخصیت فرد نیز تأثیر می‌گذارد (کوکینوس و ولگاریدو^{۱۳}، ۲۰۱۷). در مدل بلسکی^{۱۴} (۱۹۸۴) به نقل از مک‌کری و کاستا^{۱۵} (۲۰۰۳) فرزندپروری تحت تاثیر سه عامل قرار دارد ۱- شخصیت والدین ۲- ویژگی‌های شخصیتی فرزندان ۳- استرس‌ها و حمایت‌های موجود در زندگی. در این میان ویژگی‌های

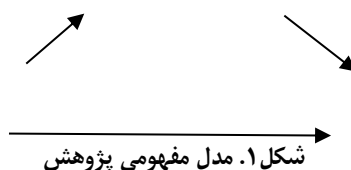
1. Nie et al.
2. Kim & Chang
3. Trentacosta et al.
4. Baroncelli & Ciucci
5. Henry et al.
6. Waller et al.
7. Hawes, Dadds, Frost, & Hasking
8. Pardini et al.
9. Hawes, Dadds, Brennan et al.
10. Allen et al.
11. Pasalich et al.
12. Portnoy et al.
13. Kokkinos & Voulgaridou
14. Belsky, J.
15. McCrae & Costa

شخصیتی را می‌توان به عنوان الگوهای شناخت، احساسات و رفتارهایی تعریف کرد که در طول زمان و در شرایط مختلف، نسبتاً پایدار و سازگار باشند (مک‌کری و کاستا، ۲۰۰۳). نظریه‌های مختلفی در مورد ساختار شخصیت ارائه شده است، اما مدل پنج عاملی از شخصیت به عنوان برجسته‌ترین مدل در روانشناسی مدرن ظهور یافته است و گسترده‌ترین چارچوب مورد استفاده برای سنجش و مفهوم‌سازی ویژگی‌های شخصیتی را تشکیل می‌دهد (آلموند و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به مدل پنج عاملی شخصیت، فرض بر این است که شخصیت از پنج بعد تشکیل شده است: برون‌گرایی^۲، روان‌رنجوری^۳ یا روان‌آزردگی، توافق‌پذیری^۴، وظیفه‌شناسی^۵ و گشودگی به تجربه^۶ (پلینز و همکاران، ۲۰۲۰). تا به امروز، جامع‌ترین بررسی ادبیات در مورد ارتباطات بین پنج عامل شخصیت و نتایج مهم زندگی حاکی از آن است که روابط بین‌فردی، مفاهیم درون‌فردی (مانند خودپنداره، بهزیستی و آسیب‌شناسی روانی) و همچنین طول عمر و سلامت جسمی با ویژگی‌های شخصیتی بسیار مرتبط است (کوتو و همکاران، ۲۰۱۰). یکی از عوامل مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی، سنگدلی-بیرحمی است، به نحوی که ادغام ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی و علوم پایه شخصیت منجر به پیش‌بینی‌های آگاهانه‌تر در مورد همه‌گیرشناسی، بیماری‌های همراه و فرآیندهای زمینه‌ای می‌شود، زیرا این رویکرد از دانش انباشته شده در طی سال‌ها تحقیق در مورد ابعاد هنجاری شخصیت حاصل شده است (فریک و ری، ۲۰۱۵؛ لینام و میلر، ۲۰۱۵). در مورد ارتباط بین پنج عامل بزرگ شخصیت و ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی بررسی‌ها حاکی از آن است که صفات سنگدلی-بیرحمی به عنوان یک مفهوم کلی با توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی (به ویژه ابعاد گرما و احساسات مثبت) و گشودگی رابطه منفی و با روان‌رنجور خویی رابطه مثبت دارد (لاتزمن و همکاران، ۲۰۱۶؛ والدمن و همکاران، ۲۰۱۱؛ رومیرو و آلونسو، ۲۰۱۷؛ پور و همکاران، ۲۰۲۰)، که رابطه مثبت با روان‌رنجور خویی ناشی از پرخاشگری خصمانه است که یکی از مؤلفه‌های روان‌رنجور خویی می‌باشد. بعد بیرحمی با برخی از جنبه‌های روان‌رنجوری (افسردگی؛ خودآگاهی) همبستگی مثبت داشت؛ این جنبه‌ها «عاطفه منفی خودگردان»^{۱۰} نامیده می‌شوند (لینام و ویدیگر، ۲۰۰۷). علاوه بر این در یک نمونه بزرگ از نوجوانان، صفات سنگدلی-بیرحمی با تمام حوزه‌های پنج عامل بزرگ شخصیت همبستگی منفی داشت (مورالس-ویوز و همکاران، ۲۰۱۹). در حالی که مشکلات سلوک همراه با سنگدلی-بیرحمی با توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و گشودگی پایین و روان‌رنجور خویی بالا مرتبط است (اسساری و همکاران، ۲۰۱۵)، مشکلات سلوک بدون صفات سنگدلی-بیرحمی با افزایش اضطراب و روان‌رنجوری همراه بود (من و همکاران، ۲۰۱۸). افرادی که نمرات بالاتری در سنگدلی-بیرحمی و مشکلات سلوک داشتند به عنوان افراد دارای توانایی کمتر در مدیریت استرس، دارای آرامش کمتر و تمایل برای به سهولت عصبانی شدن (روان‌رنجور خویی) رتبه‌بندی شدند، به نظر می‌رسد این یافته با تعریف کلکلی^{۲۰} (۱۹۷۶) به نقل از کالینز و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۴) از جامعه‌ستیزی^{۲۲} بزرگسالان که در آن جامعه‌ستیز بزرگسال ترس کمی

1. Almlund et al.
2. extraversion
3. neuroticism
4. agreeableness
5. conscientiousness
6. openness experience
7. Plessen et al.
8. Kotov et al.
9. Frick & Ray
10. Lynam & Miller
11. Latzman et al.
12. Waldman et al.
13. Romero & Alonso
14. Poore et al.
15. self-directed negative affect
16. Lynam & Widiger
17. Morales-Vives et al.
18. Assary et al.
19. Mann et al.
20. Cleckley, H.
21. Colins et al.
22. psychopathy

دارد، و نتایج [کالینز و همکاران \(۲۰۱۴\)](#) که در آن سنگدلی-بیرحمی با بی‌باکی همراه بود، تناقض دارد چرا که نترسی را می‌توان به عنوان نماینده‌ای برای روان‌رنجوری پایین در نظر گرفت.

در خانواده، شیوه‌های فرزندپروری که در اجتماعی کردن کودکان استفاده می‌شوند بسیار مهم هستند. الگوهای فرزندپروری عامل تعیین کننده رشد شخصیت افراد هستند. شواهد تجربی، سبک‌های فرزندپروری مستبد و مسامحه‌کار را یک عامل خطر برای روان‌رنجوری و رفتارهای بزهکارانه نوجوانان معرفی می‌کنند. محققان بسیاری گزارش کردند که عدم ملایمت در فرزندپروری ([استراسبرگ و همکاران، ۱۹۹۴](#)) و عدم آموزش رفتارهای مثبت ([گروسیک و گوودنو، ۱۹۹۴](#))، ارتباط مستقیمی با روان‌رنجوری فرزندان دارد. در مقابل استفاده از ملایمت و کنترل (سبک مقتدر)، در تربیت فرزندان منجر به کاهش نمره روان‌پریشی شده و با وظیفه‌شناسی همبستگی مثبت دارد ([نیهوس و ویلی، ۲۰۱۳](#)). کنترل سخت‌گیرانه، نسبت به فرزندپروری مقتدرانه سطوح بالاتری از روان‌رنجوری را در جوانان ایجاد می‌کند ([اشرف و همکاران، ۲۰۱۹](#)). توافق‌پذیری نتیجه تشویق بیشتر والدین و کنترل مثبت است، در حالی که روان‌رنجوری در کمبود گرمای والدین ایجاد می‌شود. سبک‌های فرزندپروری یکپارچه و دموکراتیک با برون‌گرایی و گشودگی همراه بوده، در حالی که سبک‌های فرزندپروری استبدادی و بی‌تفاوت با روان‌رنجوری همراه هستند ([تومشیک و سرسنیک، ۲۰۱۷](#)). سبک‌های مثبت فرزندپروری با برون‌گرایی، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی، گشودگی به تجربه ارتباط مثبت و با روان‌رنجوری ارتباط منفی دارند ([ایوب و همکاران، ۲۰۲۱](#)). بررسی‌های دیگر وجود دارد که به طور کلی هر چند متناقض نشان می‌دهند که روان‌رنجوری، تحریک‌پذیری، بی‌اعتمادی، خصومت و سایر اشکال احساسات منفی با کمبود گرما و تجربه فرزندپروری منفی همراه است، در حالی که توافق‌پذیری، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی با فرزندپروری مثبت و سازگارتر همراه است ([اونو و همکاران، ۲۰۱۷](#); [آورینا و همکاران، ۲۰۲۱](#)). با توجه به این که افراد با ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی یک گروه پر خطر را تشکیل می‌دهند، شناسایی عوامل اثرگذار بر این صفات و نحوه‌ی اثرگذاری آنها می‌تواند به عنوان یک عامل مقابله‌ای یا حفاظتی جهت پیشگیری از ویژگی‌های شخصیتی ویژگی‌های شخصیتی رابطه‌بین این صفات و سبک فرزندپروری و ویژگی‌های شخصیتی و بررسی کرده‌اند ولی تا کنون تحقیقی که نشان دهد چگونه ویژگی‌های شخصیتی به عنوان میانجی بین این صفات و فرزندپروری می‌تواند به عنوان یک عامل مقابله‌ای یا حفاظتی عمل کند و نظر به این که پژوهش‌های مختلف نگرفته است. به عبارتی سنگدلی-بیرحمی مستقیم متغیرهای ذکر شده را فرزندپروری بررسی کرده و این امکان را که ممکن است ویژگی‌های شخصیتی به عنوان یک متغیر مداخله‌گر باعث تغییر جهت یا تعدیل رابطه بین فرزندپروری و صفات سنگدلی-بیرحمی شود را بررسی نکرده است. به طور کلی و با توجه به آنچه ذکر شد این پژوهش در صدد بررسی نقش واسطه‌ای ویژگی‌های شخصیتی در رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و صفات سنگدلی-بیرحمی در نوجوانان سلوک می‌باشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۱. روش

۱-۲. جامعه آماری، نمونه و روش اجرایی پژوهش

1. Strassberg et al.
2. Grusec & Goodnow
3. Nyhus & Webley
4. Ashraf et al.
5. Tomšik & Cerešnik
6. Ayoub et al.
7. Ono et al.
8. Averina et al.

طرح پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است که در آن با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری روابط بین متغیرهای مدل پیشنهادی بررسی شد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان پسر مدارس متوسطه نظری (دوره اول) شهر قم تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، در مدارس متوسطه این شهر مشغول به تحصیل بودند. نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد، بدین صورت که ابتدا براساس پرسشنامه علائم مرضی کودکان (CSI-4) دانش‌آموزان اختلال سلوک شناسایی شدند و در مرحله بعد با توجه به این که بر اساس نظریه کلاین^۱ (۲۰۱۶) حجم نمونه‌ی پذیرفتنی برای انجام معادلات ساختاری ۲/۵ تا ۵ برابر تعداد گویه‌ها است. بنابراین با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۵۱ دانش‌آموز پسر مبتلا به اختلال سلوک در دوره اول متوسطه که حاضر به همکاری بودند انتخاب شد و در مرحله بعد پرسشنامه‌های مربوط به پژوهش در اختیار نوجوانان و مادران آنها قرار داده شد. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: دانش‌آموز پسر، تحصیل در دوره اول متوسطه و ابتلا به اختلال سلوک، عدم تک‌والدی بودن یا طلاق والدین، فقدان اختلالات همبود، عدم مصرف دارو و خدمات درمانی برای اختلال سلوک. ملاک‌های خروج از پژوهش شامل مخدوش بودن پرسشنامه‌ها، طلاق والدین، اختلالات همبود، مصرف دارو یا دریافت درمان برای اختلال سلوک بود.

۲-۲. ابزار سنجش

۲-۲-۱. پرسشنامه علائم مرضی کودکان (CSI-4)

این پرسشنامه مقیاسی برای درجه‌بندی رفتار است که اولین بار توسط گادو و اسپرافکین^۳ (۲۰۰۵) برای غربال اختلال رفتاری و هیجانی کودکان ۵ تا ۱۴ ساله طراحی شد و شامل دو نسخه معلم و والد و ۹ گروه عمده از اختلال‌های رفتاری است. یکی از این گروه‌ها، اختلال سلوک است که با سؤال‌های ۴۱-۲۷ سنجیده می‌شود. پاسخ‌های ارائه شده به هریک از مواد آزمون در مقیاسی ۴ درجه‌ای هرگز = ۰، گاهی = ۱، اغلب = ۲ و بیشتر وقتها = ۳ نمره‌گذاری و نمره برش آن ۵ در نظر گرفته می‌شود (محمد اسماعیل و علی‌پور، ۱۳۸۱). محمد اسماعیل و علی‌پور (۱۳۸۱) ضریب اعتبار این مقیاس را با استفاده از الفای کرونباخ، ۰/۸۷ اعلام کرده است. در پژوهش علی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) از نسخه والد استفاده و ضریب الفای کرونباخ آن ۰/۷۹ گزارش شد. در پژوهش فرزاد و همکاران (۱۳۹۰) اعتبار، روایی و هنجاریابی پرسشنامه علائم مرضی کودکان بر روی کودکان کار ۷ تا ۱۵ ساله در شهر کرج اجرا شد. مقدار ضریب اعتبار به روش هم‌هنگی درونی برای فرم والد ۰/۹۴ و برای فرم معلم ۰/۹۶ بود. همچنین همبستگی‌های متقابل خرده مقیاس‌های دو فرم والد و معلم معنادار بودند. نمرات حد بالایی و پایینی مقیاس به ترتیب ۲-۴۰ بود.

۲-۲-۲. پرسشنامه سنگدلی-بیرحمی (ICU)^۴

این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی ۲۴ ماده‌ای است که برای ارزیابی ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی طراحی شده است. این ابزار توسط فریک و همکاران^۵ (۲۰۰۳) ساخته شده است. اگرچه نسخه معلم و والدین از آن وجود دارد اما نسخه خودارزیابی عمومی‌ترین استفاده را در نمونه‌های نوجوان دارد. پرسشنامه صفات سنگدلی-بیرحمی سه بعد سنگدلی (۱۱ ماده)، فقدان همدلی (۸ ماده) و بیرحمی (۵ ماده) را در یک طیف لیکرت ۴ درجه‌ای «کاملاً غلط»، تا «۳ کاملاً درست» ارزیابی می‌کند (ایسایو و همکاران^۶، ۲۰۰۶). ایسایو و همکاران (۲۰۰۶) ضریب الفای کرونباخ ۰/۷۷ و همبستگی پرسشنامه صفات سنگدلی-بیرحمی با مشکلات سلوک، اختلال روان‌شناختی و خرده مقیاس هیجان‌خواهی ابعاد پنج عامل بزرگ شخصیت را به عنوان شاخصی از روایی سازه این ابزار گزارش کردند. پالیزیان و همکاران (۱۳۹۹) در طی بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در نوجوانان

1. Kline
2. Children Symptom Inventory-4 (CSI)
3. Gadow & Sprafkin
4. Inventory of Callous-Unemotional (ICU)
5. Frick et al.
6. Essau et al.

پسر نشان دادند که آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۵ و برای خرده مقیاس‌های سنگدلی، فقدان همدلی و بیرحمی به ترتیب برابر با ۰/۵۶، ۰/۶۱ و ۰/۵۵ و ضریب تنصیف برای کل پرسشنامه ۰/۵۶ و برای خرده مقیاس‌ها نام برده به ترتیب برابر ۰/۵۱، ۰/۶۳ و ۰/۴۹ است. نمره حد بالایی و پایینی برای مقیاس کل ۴۷-۸ بود و از نمره ۲۴ بر اساس پژوهش [کیمونیز، فانتی و سینگ^۱ \(۲۰۱۴\)](#) به عنوان نقطه برش این صفات استفاده شد.

۲-۲-۳. سبک‌های فرزندپروری^۲ (PSI)

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری توسط [بامریند^۳ \(۱۹۷۳\)](#) ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه سهل‌گیر، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین مربوط می‌شود. جمله‌های شماره ۱، ۶، ۱۳، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ و ۲۸ مربوط به حیطه سهل‌گیر، جمله‌های ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶ و ۲۹ مربوط به حیطه استبدادی و جمله‌های ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷ و ۳۰ مربوط به شیوه اقتدار منطقی است. والدین با مطالعه هر ماده، نظر خود را برحسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند که از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری شده است. [بوری^۴ \(۱۹۹۱\)](#) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سهل‌گیرانه ۰/۹۲ برای سبک مستبدانه و ۰/۹۲ برای سبک مقتدرانه گزارش نموده است. [اسفندیاری^۵ \(۱۳۷۳\)](#) جهت تعیین روایی محتوای آزمون، از ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی خواست تا میزان روایی هر جمله را با علامت زدن مشخص و نظر اصلاحی بدهند که نتیجه این نظرخواهی نشان داد آزمون مذکور از روایی بالایی برخوردار است، همچنین میزان پایایی را با استفاده از روش بازآزمایی برای سهل‌گیری و مسامحه‌گر برابر ۶۹ درصد، استبدادی برابر ۷۷ درصد و اقتدار منطقی برابر ۷۳ درصد به دست آمد. نمرات حد بالایی و پایینی برای سبک سهل-گیرانه ۳۵-۵، سبک استبدادی ۳۷-۴ و سبک مقتدرانه ۴۰-۱۴ بود.

۲-۲-۴. پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی نئو^۵ (NEO-FFI)

این پرسشنامه ابتدا تحت عنوان NEO توسط [مک‌کری و کاستا^۶ \(۱۹۸۵\)](#) تهیه شده و دارای ۶۰ سوال بوده است. پرسشنامه NEO-FFI به زبان‌های مختلف ترجمه شده است و روایی و سودمندی آن در جامعه‌های مختلف نشان داده شده است. این پرسشنامه یکی از ابزارهایی است که بیشترین استفاده را در اندازه‌گیری مدل پنج عاملی ویژگی‌های شخصیتی دارد ([زیلیگ و همکاران^۷؛ ۲۰۰۲](#)). پنج خرده مقیاس روان‌رنجورخویی (N)، برون‌گرایی (E)، انعطاف‌پذیری یا گشودگی به تجربه (O)، موافقت^۸ (A) و باوجدان بودن یا وظیفه‌شناسی^۹ (C) را می‌سنجد. [مک‌کری و کاستا^۶ \(۲۰۰۴\)](#) در مطالعه‌ای بر روی ۱۴۹۲ نفر پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ برای پنج عامل روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، پذیرش، توافق و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۷۵، ۰/۶۹ و ۰/۷۹ گزارش کردند. [عطاری و همکاران^{۱۰} \(۱۳۸۵\)](#) پایایی این آزمون را به روش بازآزمایی برای پنج عامل N، E، O، A و C به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴، ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۲ گزارش کرده است. [مک‌کری و کاستا^۶ \(۲۰۰۴\)](#) ضریب همبستگی این آزمون را با آزمون نئو ۲۴۰ سوالی برای پنج عامل N، E، O، A و C به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۳، ۰/۷۶، ۰/۸۶ و ۰/۸۶ گزارش کردند. [حق‌شناس^{۱۱} \(۱۳۸۸\)](#) در تحقیق خود ضریب همبستگی بین نمره‌های شاخص‌های N، E، O، A و C را به

1. Kimonis, Fanti, & Singh

2. Parenting Style Inventory

3. Baumrind

4. Buri

5. Neuroticism-Extraversion-Openness Five-Factor Inventory (NEO-FFI)

6. Zillig et al.

7. agreeableness

8. conscientiousness

9. McCrae & Casta

ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۷۷، و ۰/۸۷ گزارش کرده است. در تحقیق حاضر حد بالایی و پایینی برای پنج عامل روان‌آزردگی، برون‌گرایی، گشودگی، توافق و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۴۷-۵، ۴۵-۱۱، ۴۰-۱۰، ۴۵-۸ و ۴۸-۸ بود.

۲-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از اجرای پرسشنامه‌ها، ۴۵۱ پرسشنامه گردآوری شد و در این بین ۱۶ پرسشنامه به علت مخدوش بودن از روند پژوهش حذف شد و داده‌های مربوط به ۴۳۵ نفر با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری) تحلیل شد. در این پژوهش برای محاسبه شاخص‌های توصیفی داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ و برای برازش مدل از نرم‌افزار Amos نسخه ۲۴ استفاده شد.

۲. یافته‌ها

۳-۱. توصیف جمعیت شناختی

در مجموع ۴۳۵ نوجوان پسر مبتلا به اختلال سلوک در این پژوهش مشارکت کردند که در دامنه سنی ۱۳ تا ۱۵ سال قرار داشتند. ۷۸/۹ درصد از مادران مدرک زیر سیکل داشتند و ۸۳ درصد آنها خانه‌دار بودند. یافته‌های توصیفی متغیرها شامل میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرها در جدول ۱ گزارش شده است.

۳-۲. شاخص‌های توصیفی

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار و رابطه بین متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	سبک سهل گیرانه	سبک استبدادی	سبک مقتدرانه	سنگدلی- بیرحمی	روان آزردگی	برون گرایی	گشودگی	توافق
سبک سهل گیرانه	۱/۶	۰/۵	۱							
سبک استبدادی	۲/۰	۰/۷	۰/۲۳۹**	۱						
سبک مقتدرانه	۳/۰	۰/۵	۰/۰۸۹	-۰/۱۰۱*	۱					
سنگدلی- بیرحمی	۲۳/۸	۶/۳	۰/۱۴۳**	۰/۴۶۷**	-۰/۰۵۰	۱				
روان آزردگی	۴/۴	۲/۲	۰/۱۰۳*	۰/۳۴۳**	-۰/۰۲۹	-۰/۴۰۳**	۱			
برون گرایی	۳۷/۰	۷/۳	-۰/۰۲۲	-۰/۰۹۱	۰/۰۵۰	-۰/۲۵۱**	-۰/۳۰۰**	۱		
گشودگی	۴۲/۲	۶/۲	-۰/۰۴۳	-۰/۱۳۶	-۰/۰۳۷	-۰/۱۰۴*	-۰/۰۷۸	۰/۰۶۳	۱	
توافق	۳۶/۵	۴/۷	-۰/۰۷۰	-۰/۱۶۲	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۱**	-۰/۳۹۴**	۰/۳۱۷**	۰/۰۱۷	۱

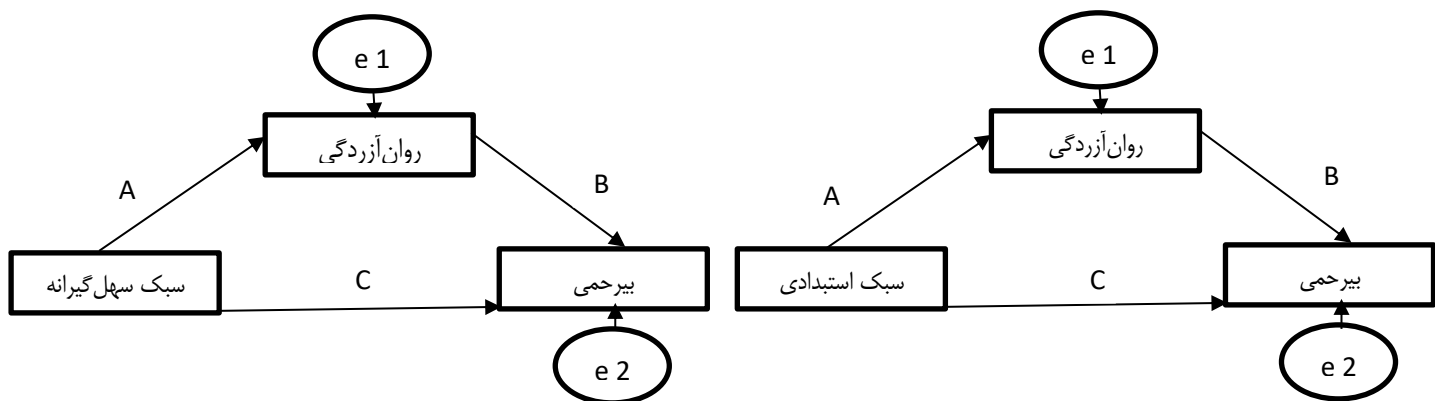
۰/۳۶۱**	۰/۰۶۲	۰/۴۹۹**	-۰/۳۰۰**	-۰/۳۷۷**	۰/۰۹۳	-۰/۱۲۹	۰/۰۵۵	۵/۲	۳۹/۴	وظیفه شناسی
---------	-------	---------	----------	----------	-------	--------	-------	-----	------	-------------

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود سبک سبک فرزندپروری سهل گیرانه و سبک فرزندپروری استبدادی رابطه دارد. همچنین متغیر ویژگی های شخصیتی زمانی می تواند رابطه دو متغیر سبک فرزندپروری و سبک سبک فرزندپروری را میانجیگری کند که با هر دو رابطه داشته باشد. از میان ویژگی های شخصیتی تنها روان رنجوری (روان آزدگی) با سبک سهل گیرانه و استبدادی و سبک سبک فرزندپروری -بیرحمی ارتباط دارد. بنابراین تنها میانجی گری روان آزدگی در دو مدل زیر بررسی می شود.

۳-۳. بررسی مدل پژوهش

In Press



شکل ۲. مدل مفهومی رابطه سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با روان‌آزردگی

به منظور بررسی میانجی‌گری از مدل [بارون و کنی^۱ \(۱۹۸۶\)](#) استفاده شد. روان‌آزردگی متغیر میانجی^۲ محسوب می‌شود اگر اثر سبک فرزندپروری از طریق روان‌آزردگی و به طور غیر مستقیم به سبک‌دلی-بیرحمی منتقل شود. پیش فرض آماری این مدل، توزیع نرمال متغیرهای میانجی و متغیر وابسته اصلی است، کجی و کشیدگی تمامی متغیرهای پژوهش بین ۰/۵ و -۰/۵ و توزیع نرمال بود و این پیش فرض رعایت شد، همچنین عدم همخطی متغیرهای پیش‌بین بررسی شد که آماره تحمل^۳ تمامی متغیرها بیش از (۰/۷) و عامل تورم واریانس^۴ (VIF) کمتر از (۱/۳) بود، که نشانه‌ی عدم همخطی متغیرهای پیش‌بین است.

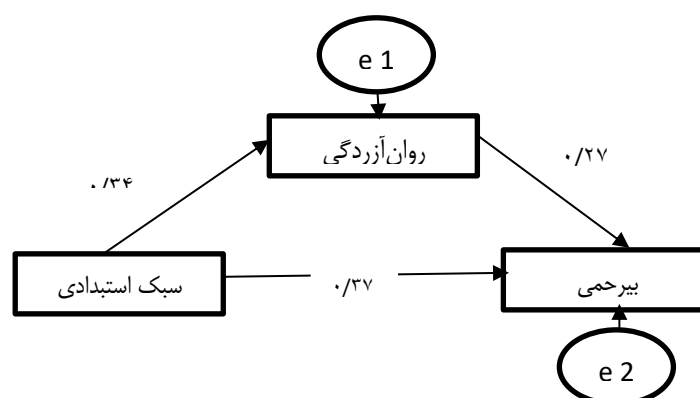
به منظور بررسی میانجی‌گری بر اساس مدل [بارون و کنی^۱ \(۱۹۸۶\)](#)، سه مرحله نیاز است و بایستی در هر سه مرحله، وزن‌های رگرسیونی معنادار باشند. ۱) برازش متغیر وابسته اصلی (سبک‌دلی-بیرحمی) بر روی متغیر مستقل اصلی (سبک فرزندپروری) (مسیر مستقیم C) ۲) برازش متغیر میانجی روان‌آزردگی بر روی متغیر مستقل (سبک فرزندپروری) (مسیر غیرمستقیم a) ۳) برازش متغیر وابسته اصلی (سبک‌دلی-بیرحمی) بر روی متغیرهای مستقل اصلی (سبک فرزندپروری) و میانجی بطور همزمان (مدل میانجی). در مرحله سوم، اگر مسیر مستقیم متغیر مستقل (سبک فرزندپروری) به متغیر وابسته (سبک‌دلی-بیرحمی) همچنان معنی‌دار باشد یعنی متغیر مستقل به‌طور همزمان از هر دو مسیر مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد و میانجی‌گری جزئی است. اما اگر با حضور متغیر میانجی در مدل، مسیر مستقیم معنی‌دار نبود، به این معنی است که مسیر غیر مستقیم تمام تأثیر مسیر مستقیم را به خود جذب کرده و متغیر میانجی به طور کامل میانجی‌گری می‌کند. مدل مفهومی تحلیل مسیر در شکل ۲ ارائه شده است.

1. Baron & Kenny

2. mediator

3. telorance

4. variance inflation factor



شکل ۳. ضریب استاندارد مدل روابط بیرحمی-سنگدلی با سبک استبدادی با واسطه‌گری روان آزرده‌گی

تحلیل مسیر میانجی‌گری روان آزرده‌گی در رابطه سبک فرزندپروری استبدادی و سنگدلی-بیرحمی با استفاده از نرم‌افزار Amos24 انجام شد و نتایج مراحل سه گانه در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- ضرایب استاندارد و معناداری مسیرهای مدل میانجی‌گری روان آزرده‌گی در رابطه سبک استبدادی و سنگدلی-بیرحمی

مدل اثر مستقیم			مدل اثر غیر مستقیم			مدل میانجی‌گری		
(مرحله اول)			(مرحله دوم)			(مرحله سوم)		
مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری
A	۰/۰۰۰	----	A	۰/۳۴۳	***	A	۰/۳۴۳	***
B	۰/۰۰۰	----	B	۰/۴۰۳	***	B	۰/۲۷۵	***
C	۰/۴۶۷	***	C	۰/۰۰۰	----	C	۰/۲۷۳	***

*** $P < ۰/۰۰۱$

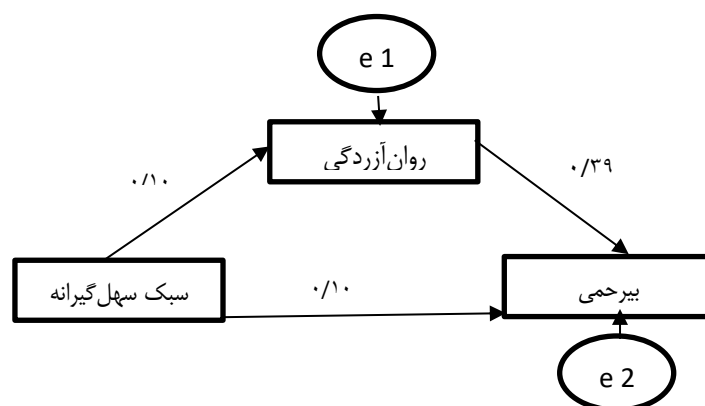
مسیر A: رابطه سبک فرزندپروری استبدادی با روان آزرده‌گی

مسیر B: رابطه روان آزرده‌گی با سنگدلی-بیرحمی

مسیر C: رابطه سبک فرزندپروری استبدادی با سنگدلی-بیرحمی

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در مرحله سوم (مدل میانجی‌گری) مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم معنادار هستند، بنابراین روان آزرده‌گی رابطه سبک فرزندپروری استبدادی و سنگدلی-بیرحمی را واسطه‌گری جزئی می‌کند. در این مدل تأثیر

In Press



تحلیل مسیر میانجی‌گری روان‌آزردگی در رابطه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و بیرحمی با استفاده از نرم‌افزار Amos24 انجام شد و نتایج مراحل سه‌گانه در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- ضرایب استاندارد و معناداری مسیرهای مدل میانجی گری روان آزردهی در رابطه سبک سهل گیرانه و بی رحمی

مدل اثر مستقیم			مدل اثر غیر مستقیم			مدل میانجی گری		
(مرحله اول)			(مرحله دوم)			(مرحله سوم)		
مسیر	ضریب	معناداری	مسیر	ضریب	معناداری	مسیر	ضریب	معناداری
	استاندارد			استاندارد			استاندارد	
A	۰/۰۰۰	----	A	۰/۱۰۳	۰/۰۳۱	A	۰/۱۰۳	۰/۰۳۱
B	۰/۰۰۰	----	B	۰/۴۰۳	***	B	۰/۳۹۲	***
C	۰/۱۴۳	***	C	۰/۰۰۰	----	C	۰/۱۰۳	۰/۰۱۹

*** $P < ۰/۰۰۱$

مسیر A: رابطه سبک فرزندپروری سهل گیرانه با روان آزردهی

مسیر B: رابطه روان آزردهی با سنگدلی-بی رحمی

مسیر C: رابطه سبک فرزندپروری سهل گیرانه با بی رحمی

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود، در مرحله دوم (مسیر غیرمستقیم) و سوم (مدل میانجیگری) مسیر سبک فرزندپروری سهل گیرانه به روان آزردهی معنادار نیست، بنابراین رابطه سبک فرزندپروری سهل گیرانه و سنگدلی-بی رحمی را روان آزردهی میانجیگری نمی کند.

۳. بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، بررسی نقش واسطه گری متغیر ویژگی های شخصیتی، در رابطه بین فرزندپروری و صفات سنگدلی-بی رحمی در قالب یک مدل و با استفاده از روش معادلات ساختاری بود. یافته های پژوهش نشان داد که از میان سبک های فرزندپروری، سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه پیش بینی کننده صفات سنگدلی-بی رحمی هستند. به عبارت دیگر، سبک های فرزندپروری یاد شده اثر مستقیم بر صفات سنگدلی-بی رحمی دارند. این یافته ها، همسو با تحقیقات [هاوز و همکاران \(۲۰۱۱\)](#)، [پاردینی و همکاران \(۲۰۰۷\)](#)، [ترینتاکاستا و همکاران \(۲۰۱۹\)](#)، [بارونسلی و سی یوسی \(۲۰۲۰\)](#) و [پورتنوی و همکاران \(۲۰۲۰\)](#) است که نشان دادند که شیوه های منفی فرزندپروری، انضباط سخت و خشن تمایلات فرد را برای ایجاد صفات سنگدلی-بی رحمی افزایش داده و منجر به اثراتی همچون فقدان همدلی و سنگدلی می گردند. این شیوه های فرزندپروری در مقابل شیوه فرزندپروری مقتدرانه قرار دارد که والدین حساس بوده و تعاملات مثبتی با فرزند خود برقرار کرده و همانطور که تحقیقات نیز نشان دادند مراقبت های حساس و زودرس با سطح پایین صفات سنگدلی-بی رحمی همراه است [والر و همکاران، ۲۰۱۳؛ کهولهوف و همکاران، ۲۰۲۰](#). این یافته ها نیز با نتایج تحقیق حاضر همسو است چرا که صفات سنگدلی-بی رحمی با فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی داشت. به طور کلی نتایج این تحقیق با تحقیقات قبلی در مورد رابطه مثبت فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه با صفات سنگدلی-بی رحمی و رابطه منفی آن با فرزندپروری مقتدرانه را تایید می کند و نتایج متضادی یافت نشد.

در تبیین این یافته ها باید گفت که فرزندپروری و کیفیت رابطه والد-کودک به طرق مختلف در ایجاد رفتارهای سنگدلی-بی رحمی نقش دارند و بر آن تاثیر می گذارند [\(گلن، ۲۰۱۹\)](#). نظر به این که فرزندپروری مستبدانه ارتباط مثبت با رفتارهای سنگدلی-

بیرحمی دارد با توجه به این که سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه به عنوان شیوه‌های منفی والدگری شناخته می‌شوند و مطابق با مکانیزم همبستگی وراثت-محیط، سبک‌های فرزندپروری ذکر شده به عنوان یک عامل محیطی، خطر رشد صفات سنگدلی-بیرحمی در کودکی و نوجوانی را تقویت می‌کند (بارونسلی و سی‌یوسی، ۲۰۲۰). همچنین فرزندپروری نامساعد و مدیریت ضعیف والدین منجر به خودکنترلی محدود در بین کودکان و نوجوانان شده و موجب رشد صفات سنگدلی-بیرحمی که از جمله ویژگی‌های بارز آن عملکرد بدون توجه به ایجاد ناراحتی در دیگران است می‌شود. افزون‌بر این، افراد با ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی بالا نسبت به افراد سالم به محروم کردن و دیگر روش‌های تنبیهی کمتر پاسخگو هستند و به نظر نمی‌رسد که محروم کردن آنها را آزار دهد، بنابراین رفتار آنها بهبود نمی‌یابد. تکنیک‌های نظم و انضباط مبتنی بر پاداش، مانند ستایش و تقویت، بیشتر از تکنیک‌های مجازات، در کاهش رفتارهای ضداجتماعی افرادی که دارای صفات سنگدلی-بیرحمی بالا هستند تأثیر می‌گذارد. بنابراین روش‌های مستبدانه به جای کاهش مشکلات افراد سنگدلی-بیرحمی آنها را افزایش می‌دهد و این امر رابطه مثبت و مستقیم سنگدلی-بیرحمی با فرزندپروری مستبدانه را توجیه می‌کند.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه پیش‌بینی کننده روان‌رنجوری است و به عبارت دیگر، این سبک‌های فرزندپروری اثر مستقیم و مثبت بر روان‌رنجوری و اثر مستقیم و منفی بر گشودگی، برون‌گرایی، توافق و وظیفه‌شناسی دارند. این یافته، هم‌جهت با یافته‌های نیهوس و ویلی (۲۰۱۳)، اشرف و همکاران (۲۰۱۹)، تومشیک و سرسنیک (۲۰۱۷)، ایوب و همکاران (۲۰۲۱)، اونیو و همکاران (۲۰۱۷) و آورینا و همکاران (۲۰۲۱) است. یافته‌ها بر این اساس قابل تبیین است که عدم ملایمت در فرزندپروری و عدم آموزش رفتارهای مثبت، که از ویژگی‌های والدین مستبد و سهل‌گیر است یک عامل خطر برای روان‌رنجوری و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان محسوب می‌شود و مانع از رشد جنبه‌های مثبت ویژگی‌های شخصیتی از جمله برون‌گرایی، گشودگی، توافق و وظیفه‌شناسی می‌گردد. به علاوه سبک‌های تربیتی خشن و مستبد منجر به ناسازگاری، عدم انطباق و فقدان دلبذیری فرزندان می‌شود و آنها را به سمت رفتارهای روان‌نژندی سوق می‌دهد. در واقع والدین با بی‌تفاوتی یا عدم ایجاد استقلال در فرزندان خود سبب ایجاد الگوی دلبستگی اضطرابی در فرد شده (بالبی، ۱۹۷۷)، در نتیجه این فرد به دلیل فقدان پایگاه ایمن تمایل به کاوش در محیط ندارد و این شرایط مانع از رشد صفاتی چون گشودگی به تجربه و برون‌گرایی شده. همچنین چندین مطالعه دیگر وجود دارد که نشان می‌دهد تجربه فرزندپروری منفی با روان‌رنجوری همراه است، در حالی موافق بودن، برون‌گرایی، و وظیفه‌شناسی با فرزندپروری مثبت و سازگارتر همراه است (تاکاهاشی و همکاران، ۲۰۱۷؛ اونیو و همکاران، ۲۰۱۷). رفتارهای فرزندپروری منفی از جمله فرزندپروری مستبدانه منجر به عدم تطابق نوجوان با والدین شده و در او احساس خشم، ناکامی، افسردگی و درخودفرورفتگی ایجاد کرده و او را مستعد رفتارهای روان‌رنجورانه می‌کند. سبک مستبدانه با قوانین دقیق و سفت و سخت، اولویت دادن به تنبیه بر ستایش، سرزنش کودکان به خاطر اشتباهات، ارتباط بسته و یک طرفه (بدون گفتگو)، ابراز مکرر اقتدار والدین و محیط خودکامه مشخص می‌شود. در نتیجه، فرزندان چنین والدینی استقلال و اعتماد به نفس کم، مهارت‌های اجتماعی ضعیف و خلاقیت پایینی دارند، مستعد پرخاشگری و تکانشگری هستند و تمایل به اتخاذ معیارهای اخلاقی نامتجانس (اجتناب از تنبیه) دارند و کمتر شاد و خودانگیخته هستند که این خصوصیات زمینه‌ساز حرکت آنها به سمت ویژگی‌های روان‌رنجوری و فاصله گرفتن از جنبه‌های مثبت شخصیت می‌گردد (سالاویرا و همکاران، ۲۰۲۲). افزون بر این، فرهنگ‌های سنتی و جمع‌گرا مثل ایران بر نظم و انضباط والدین و اطاعت فرزندان تأکید دارد. والدین با نظم و انضباط بالا، به احتمال زیاد قوانین سختگیرانه‌ای وضع می‌کنند و اجازه نمی‌دهند فرزندانشان حریم خصوصی داشته باشند یا با تصمیمات خانوادگی مخالفت کنند. این ویژگی‌های ممکن است آسیب‌پذیری افراد را در برابر استرس تشدید کند و در نتیجه خطر رفتار ناسالم و اختلال در عملکرد عصبی-زیستی را افزایش دهد و منجر به روان‌رنجوری در فرد گردد.

1. Bowlby

2. Takahashi et al.

3. Salavera et al.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد بین روان‌رنجوری و سنگدلی-بیرحمی رابطه وجود دارد. این نتیجه مطابق با یافته‌های [اسساری و همکاران \(۲۰۱۵\)](#) و [رومیرو و آلونسو \(۲۰۱۷\)](#) و در تضاد با یافته‌های [کالینز و همکارانش \(۲۰۱۴\)](#) است. یک توضیح بالقوه ممکن است این باشد که با توجه به این که صفات سنگدلی-بیرحمی جنبه عاطفی جامعه‌ستیزی را تشکیل می‌دهند و نظر به این که دو نوع جامعه‌ستیزی (اولیه/ثانویه) وجود دارد بنابراین سنگدلی-بیرحمی در هر نوع جامعه‌ستیزی ارتباط متفاوتی با روان‌رنجوری نشان می‌دهد. بر خلاف جامعه‌ستیزی نوع اولیه که تصور می‌شود در آنها سنگدلی نتیجهٔ نقص عاطفی ارثی است (یعنی هم‌زمانی سنگدلی با اضطراب-افسردگی)، در نوع ثانویه سنگدلی نتیجهٔ اکتساب از محیط است، به طوری که این افراد از طریق تجارب اجتماعی خشن، بد رفتاری والدین و/یا طرد شدن، نسبت به دیگران مضطرب-افسرده و سنگدل می‌شوند ([بارکر و همکاران، ۲۰۱۱](#)). از سوی دیگر [رومیرو و آلونسو \(۲۰۱۷\)](#) در پژوهش خود نشان دادند که مقیاس سنگدلی در نوجوانان شاخصی از اضطراب اجتماعی، کناره‌گیری و آسیب‌پذیری است. به نظر می‌رسد نوجوانانی که دارای سطح بالایی از احساسات بیرحمی هستند، احساسات خود را پنهان می‌کنند، نه برای استثمار یا فریب دیگران، بلکه به احتمال زیاد به خاطر ترس از انتقاد یا تنبیه اجتماعی. بنابراین وجود روان‌رنجوری و ارتباط آن با سنگدلی-بیرحمی را می‌توان از طریق این که این افراد اگرچه در ظاهر سنگدلی-بیرحمی نشان می‌دهند ولی در درون دارای ویژگی‌های روان‌رنجوری هستند توضیح داد. رفتارهای سنگدلی-بیرحمی شامل فقدان همدلی، احساس گناه و هیجانات است. اما ممکن است انواع اولیه و ثانویه از صفات سنگدلی-بیرحمی وجود داشته باشد، که در آن انواع ثانویه با اضطراب، افسردگی و سایر علائم پریشانی عاطفی همراه است ([گیل و استیکل، ۲۰۱۵](#))، یعنی، انواع ثانویه بیشتر مستعد احساسات منفی هستند و همچنین تاریخچه بیشتری از کودک‌آزاری و تروما که با افزایش واکنش‌پذیری عاطفی به محرک‌های هیجانی منفی همراه است نشان می‌دهند ([ماستین و همکاران، ۲۰۰۸](#)) که بسیار شبیه ویژگی روان‌رنجور خویی است. به علاوه همان‌گونه که نتایج جدول همبستگی نشان می‌دهد سنگدلی-بیرحمی با برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی رابطه منفی دارد. به عبارتی نظر به این که سنگدلی-بیرحمی یک صفت منفی است به طبع با جنبه‌های منفی شخصیت رابطه مثبت و با جنبه‌های مثبت شخصیت رابطه منفی دارد. با توجه به این که سنگدلی-بیرحمی با احساسات سطحی، عدم همدلی و پشیمانی، فقدان نگرانی در مورد انجام درست وظایف محوله مشخص می‌شود، در نتیجه این افراد از نظر وظیفه‌شناسی، گشودگی، توافق‌پذیری و برون‌گرایی در سطح پایینی قرار دارند.

در نهایت، نتایج نشان داد که از میان ویژگی‌های متعدد شخصیتی تنها روان‌رنجوری، نقش واسطه در رابطه بین فرزندپروری مستبدانه و سنگدلی-بیرحمی ایفا می‌کند. این یافته‌ها را می‌توان به این طریق توضیح داد که محیط خانواده در ایجاد رفتارهای سنگدلی-بیرحمی در اوایل کودکی نقش دارد. یکی از جنبه‌های مهم محیط خانواده شامل روابط والدین و فرزندان است. والدین از لحاظ نظری در ایجاد رفتارهای سنگدلی-بیرحمی در کودکان دخیل هستند. وقتی کودکان تعاملات ناخوشایندی را با مراقبین خود تجربه می‌کنند (به عنوان مثال، رفتارهای خشن، فقدان حساسیت یا بی‌پاسخی از جانب والدین)، احتمال دارد که دیدگاه‌های غیرواقعی از خود و دیگران ایجاد کنند که بر رشد احساسات آنها تأثیر می‌گذارد ([واگنر و همکاران، ۲۰۱۵](#)). این احساسات شامل هیجانات خودآگاه همدلی و گناه است و فقدان این احساسات از ویژگی‌های صفات سنگدلی-بیرحمی است ([پاتریک، ۲۰۲۱](#)). به علاوه والدینی که از روش‌های مستبدانه در تربیت فرزندان خود بهره گرفته‌اند، با توجه به اینکه این الگوی ارتباطی کمتر آرمانی بوده و اغلب با سخت‌گیری و خشونت بیش از حد و تنبیه همراه است و هر خطایی که از فرزند سر می‌زند با حمله به شخصیت کودک و ایجاد احساس شرمساری و گناه در او همراه است، این امر زمینه را برای ایجاد تصویری ضعیف از شخصیت خود و کاهش اعتماد به نفس و رفتارهای مخرب در فرد فراهم می‌سازد ([لی‌یو و همکاران، ۲۰۲۲](#)) در چنین خانواده‌هایی فرد نمی‌تواند

1. Barker et al.
2. Gill & Stickle
3. Masten et al.
4. Wagner et al.
5. Patrick
6. Liu et al.

میان تنبیه و خشونت که علیه او اعمال شده و رفتارهای خود ارتباط منطقی برقرار سازد و این تصور را در ذهن تثبیت می‌کند که والدین او حقیقت محض هستند و در نتیجه زمینه را برای انجام دادن رفتارهای مهار گسیخته و اختلال سلوک فراهم می‌نماید. از سویی دیگر تنبیه‌های کینه‌توزانه و خشونت‌های غیرمنطقی، تصور بی‌احترامی و فقدان همدلی را در ذهن شکل می‌دهد و چنین تصویری سبب بروز برخی از رفتارهای ضد اجتماعی مانند فرار از منزل، پرخاشگری و رفتارهای ضدهنجارهای اجتماعی و مشکلات رفتاری خواهد شد. به عبارتی این گونه رفتارها علاوه بر این که سبب ایجاد پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی می‌شوند به علت ایجاد تصویر فقدان همدلی در ذهن فرد او را نسبت به عواطف دیگران به نوعی بی‌حسی و عدم همدلی دچار می‌کند که ویژگی افراد دارای صفات سنگدلی-بیرحمی است و کاهش اعتماد به نفس که در نتیجه رفتار والد ایجاد می‌شود فرد را به سمت نگرش منفی و افسردگی که از ویژگی‌های افراد روان‌رنجور است، سوق می‌دهد.

در نهایت تمام نتایج را می‌توان این گونه تبیین کرد که تجربیاتی مانند قرار گرفتن در معرض زمینه‌های استرس با ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی همراه است. به عنوان مثال، محرومیت، رویدادهای منفی زندگی، و علائم استرس پس از سانحه همگی به طور مثبت با ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی مرتبط هستند (شارف و همکاران^۱، ۲۰۱۴). کریگ و بکر^۲ (۲۰۱۰) از این پدیده‌ها به عنوان عواملی که سبب کسب "سنگدلی اکتسابی" می‌شوند، یاد کرده و پیشنهاد کرده‌اند که جوانانی که در معرض محیط بسیار استرس‌زا قرار می‌گیرند، احساسات خود را خاموش می‌کنند و از محیط جدا می‌شوند، این یک مکانیسم مقابله‌ای است که ممکن است به یک سبک بین‌فردی بی‌عاطفه منجر شود (بنت و کریگ^۳، ۲۰۱۴). در واقع، بی‌حسی هیجانی (به عنوان مثال، بی‌حسی ترس و غم) به واسطه ارتباط بین تجربه استرس بالا و ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی به وجود می‌آید. روی هم رفته، تجربه استرس بالا ممکن است تأثیر مهمی بر توسعه و بیان ویژگی‌های کلی و خاص سنگدلی-بیرحمی داشته باشد، که بیشتر بر اهمیت بررسی ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی در میان جوانان با پیشینه‌های مختلف تأکید می‌کند. به علاوه با توجه به این که این تحقیق در دوران کرونا انجام شد و کرونا نیز یک تجربه آسیب‌زا بوده، این امر باعث شده که افرادی که سنگدلی-بیرحمی نداشتند یا سطح سنگدلی-بیرحمی در آنها پایین بوده، در نتیجه شرایط کرونا این ویژگی را در سطح بالا نشان داده و شاید هم این صفات که امکان کسب آن به صورت اکتسابی نیز وجود دارد، به صورت اکتسابی و در نتیجه شرایط پدید آمده باشند، چرا که سنگدلی-بیرحمی زمینه ارثی بسیار بالایی دارد و شاید یکی از دلایل معنی‌دار نشدن نتایج بالا نیز همین امر باشد. در پایان شایان ذکر است که سبک‌های فرزندپروری براساس ویژگی‌های فردی هر فرد تأثیرات متفاوتی خواهد داشت. به این معنا که هیچ سبک صحیحی برای فرزندپروری وجود ندارد، بلکه در عوض سبک فرزندپروری باید با ویژگی‌های فردی و شرایط محیطی سازگار شود (سالویرا و همکاران، ۲۰۲۲). به علاوه رفتار والدین یا فرزندپروری به عنوان یک عامل امیدوارکننده و بالقوه قابل تغییر ظاهر می‌شود، بنابراین با تغییر در شیوه‌های فرزندپروری امکان تغییر در فرد و کسب نتایج مطلوب وجود دارد. از محدودیت‌های تحقیق اخیر می‌توان به مقطعی بود آن اشاره کرد بنابراین تعیین اینکه آیا نتایج تحقیق با گذشت زمان تغییر می‌کند یا خیر غیر ممکن است و ارزیابی جهت علی تأثیرات امکان‌پذیر نیست، به طوری که فقط می‌توان رابطه‌ها را استخراج کرد. محدود بودن نمونه به دانش‌آموزان پسر به عبارتی نمونه تحقیق شامل نوجوانان پسر ۱۲ تا ۱۴ ساله بود. بنابراین، نتیجه ممکن است تعمیم‌پذیری محدودی به سایر جنسیت‌ها، محدوده‌های سنی یا سایر زمینه‌های فرهنگی داشته باشد. یکی دیگر از محدودیت‌ها استفاده از فرم‌های خودگزارشی است. اگرچه خودگزارش‌دهی عموماً در نوجوانان کارآمد است، اما مشارکت سایر اطلاع‌رسانان (مثلاً والدین) نتایج قوی‌تری ایجاد می‌کند و با توجه به این که افراد در نظرسنجی و پاسخ به پرسشنامه‌ها ممکن است سعی کنند تا تصویر ایده‌آل یا مطابق دیدگاه تحقیق ایجاد کنند، انجام مصاحبه بالینی و مشاهده رفتار در محیط طبیعی

نتایج قابل اطمینان‌تری را فراهم می‌کند. از سوی دیگر از آنجایی که ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی نه شاخص خشونت هستند و نه تغییرناپذیر، باید در نظر بگیریم که نوجوانان با مشکلات رفتاری جدی با یا بدون ویژگی‌های سنگدلی-بیرحمی هنوز در حال رشد هستند و می‌توانند به روش‌های متفاوت و در جهت مثبت تکامل پیدا کنند. در نهایت، نوجوانی دوران بسیار پیچیده‌ای از زندگی است و عوامل دیگری به جز شیوه‌های فرزندپروری و شخصیت در رشد آن دخیل هستند که در تحقیقات آتی باید مورد بررسی قرار بگیرند. همچنین پیشنهاد می‌شود که تحقیقات طولی در این زمینه صورت گیرد تا مشخص شود آیا در میزان بروز این صفات در سنین مختلف تفاوت وجود دارد یا خیر؟ به علاوه تحقیق بر روی گروه دیگر جنسیتی و بررسی این که آیا در شدت نشانگان و حیطه‌های بروز نشانه‌ها آیا تفاوت جنسیتی وجود دارد. در نهایت با توجه به عوامل اثرگذار بر سنگدلی-بیرحمی توصیه می‌شود درمانی طراحی شود که هم ویژگی‌های فرزندپروری و هم ویژگی‌های شخصیتی را در نظر بگیرد چرا که تنها توجه کردن به یک بعد کار چندانی پیش نخواهد برد و کار کردن روی نوجوان یا والد به تنهایی عملکردی شبیه تعمیر کردن دارد، در حالی که ما نیاز به بازسازی داریم که این امر تنها با توجه به هر دو طرف درگیر فراهم خواهد شد.

۴. ملاحظات اخلاقی:

ملاحظات اخلاقی پژوهش از جمله توضیحات کامل درباره اهداف و روش کار، محترم شمردن حقوق شرکت‌کنندگان در رابطه با قطع یا عدم همکاری، عدم ذکر نام آنها در فرم‌های اطلاعاتی به جهت محرمانه بودن اطلاعات رعایت شد. این پژوهش با کد اخلاق IR.UI.REC.1401.113 دریافتی از کمیته اخلاق دانشگاه اصفهان انجام شد.

۵. سپاسگزاری و حمایت مالی:

از همه عزیزانی که در انجام پژوهش همکاری داشتند به ویژه والدین نوجوانان سلوک کمال تشکر را دارم. این پژوهش هیچ‌گونه حمایت مالی از سازمان‌های دولتی و خصوصی دریافت نکرده است.

۶. تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- اسفندیاری، غ. (۱۳۷۳). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتاری و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. *پایان نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی بالینی*. دانشکده علوم رفتاری. انستیتوی تحقیقات روان‌پزشکی تهران.
- پالیزیان، آ.، مهرابی‌زاده هنرمند، م. و ارشدی، ن. (۱۳۹۹). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه بی‌رحمی - بی‌احساسی در نوجوانان پسر. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۵ (۱)، ۲۰۱-۲۱۱. https://cpap.shahed.ac.ir/article_2810.html
- حق‌شناس، ح. (۱۳۸۸). *روان‌شناسی شخصیت: آزمون‌های نئو، آزمون سرشت و منش، اختلالات شخصیت*. شیراز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی فارس.
- عطاری، ی.، امان‌الهی فرد، ع. و مهرابی‌زاده هنرمند، م. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی - خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۳ (۳)، ۸۱-۱۰۸. <https://www.sid.ir/paper/8855/fa>
- علی‌پور، ا.، عاصمی، ز. و حسینی یزدی، ع. (۱۳۹۳). مقایسه اثربخشی سه روش مداخله‌ای پسخوراند عصبی، آموزش مدیریت رفتار والدین و درمان ترکیبی در کاهش نشانگان اختلال سلوک کودکان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱/۱، ۹۴-۷۹. https://apsy.sbu.ac.ir/article_96272.html
- فرزاد، و.، امامی‌پور، س. و وکیل قاهانی، ف. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار، روایی و هنجاریابی پرسشنامه علائم مرضی کودکان. *فصلنامه تحقیقات روان‌شناختی*، ۳ (۱۱)، ۵۷-۴۷. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/1070211?FullText=FullText>
- کمیحانی، م. (۱۳۸۸). گذری بر راهبردهای درمانی اختلال سلوک. *مجله تعلیم و تربیت / استثنایی*، ۶ (۹۶ و ۹۵)، ۴۵-۴۰. <http://exceptionaleducation.ir/article-1-1585-fa.html>
- محمد اسماعیل، ا. و علی‌پور، ا. (۱۳۸۱). بررسی مقدماتی اعتبار و روایی و تعیین نقاط برش اختلال‌های پرسشنامه علائم مرضی کودکان (-CSI-۴). *فصلنامه کودکان استثنایی*، ۲ (۳)، ۲۵۴-۲۳۹. <http://joec.ir/article-1-484-fa.html>

References

- Alipour, A., Asemi, Z., Hosseini Yazdi, A. (2015). Comparison of the effectiveness of three intervention methods neurofeedback, parental management training and combination therapy on reducing symptoms of conduct disorder in children. *Journal of Applied Psychology*, 8(1), 79-94. https://apsy.sbu.ac.ir/article_96272.html (In Persian)
- Allen, J. L., Morris, A., & Chhoa, C. Y. (2016). Callous-unemotional (CU) traits in adolescent boys and response to teacher reward and discipline strategies. *Emotional and Behavioural Difficulties*, 21(3), 329-342. <https://doi.org/10.1080/13632752.2016.1165968>
- Almlund, M., Duckworth, A. L., Heckman, J., & Kautz, T. (2011). Personality psychology and economics. In *Handbook of the Economics of Education* (Vol. 4, pp. 1-181). Amsterdam: Elsevier. <https://doi.org/10.3386/w16822>
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5™* (5th ed.). Washington, DC: American Psychiatric Publishing, Inc. <https://doi.org/10.1176/appi.books.9780890425596>
- Ashraf, A., Ishfaq, K., Ashraf, M. U., & Zulfiqar, Z. (2019). Parenting style as a cognitive factor in developing big-five personality traits among youth: A study of public university in Multan, Pakistan. *Review of Education, Administration & Law*, 2(2), 103-112. <https://doi.org/10.47067/real.v2i2.14>
- Assary, E., Salekin, R. T., & Barker, E. D. (2015). Big-five and callous-unemotional traits in preschoolers. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 37(3), 371-379. <https://doi.org/10.1007/s10862-014-9471-9>
- Atari, Y. A., Aman Elahifard, A., & Mehrabizadeh Honarmand, M. (2006). An investigation of relationships between personality characteristics and family- personal factors and marital

- satisfaction in administrative office personnel in Ahvaz. *Journal of Education and Psychology*, 13(3), 81-108. <https://sid.ir/paper/8855/en> (In Persian)
- Averina, G. C., Zhafira, Y. A., Corinna, B., Emmanuela, J. L. B., & Sari, M. P. (2021). The role of parenting styles on neuroticism in young adults. Proceedings of the *International Conference on Economics, Business, Social, and Humanities (ICEBSH 2021)* (pp. 1076-1083). Paris: Atlantis Press. <https://doi.org/10.2991/assehr.k.210805.169>
- Awada, S. R., Ellis, R. A., Shelleby, E. C., & Orcutt, H. K. (2022). Gender differences in callous unemotional trait profiles in an undergraduate sample. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 31(7), 888-909. <https://doi.org/10.1080/10926771.2022.2038753>
- Ayoub, M., Zhang, B., Göllner, R., Atherton, O. E., Trautwein, U., & Roberts, B. W. (2021). Longitudinal associations between parenting and child big five personality traits. *Collabra: Psychology*, 7(1), 29766. <https://doi.org/10.1525/collabra.29766>
- Baglivio, M. T., Wolff, K. T., Piquero, A. R., Greenwald, M. A., & Epps, N. (2017). Racial/ethnic disproportionality in psychiatric diagnoses and treatment in a sample of serious juvenile offenders. *Journal of Youth and Adolescence*, 46(7), 1424-1451. <https://doi.org/10.1007/s10964-016-0573-4>
- Bansal, P. S., Goh, P. K., Eng, A. G., Elkins, A. R., Thaxton, M., Smith, T. E., & Martel, M. M. (2021). Identifying the inter-domain relations among ODD, CD, and CU traits in preschool children using network analysis. *Research on Child and Adolescent Psychopathology*, 49(10), 1289-1301. <https://doi.org/10.1007/s10802-021-00836-7>
- Barker, E. D., Oliver, B. R., Viding, E., Salekin, R. T., & Maughan, B. (2011). The impact of prenatal maternal risk, fearless temperament and early parenting on adolescent callous-unemotional traits: A 14-year longitudinal investigation. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 52(8), 878-888. <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2011.02397.x>
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51(6), 1173-1182. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.51.6.1173>
- Baroncelli, A., & Ciucci, E. (2020). Bidirectional effects between callous-unemotional traits and student-teacher relationship quality among middle school students. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 48(2), 277-288. <https://doi.org/10.1007/s10802-019-00595-6>
- Baumrind, D. (1973). The development of instrumental competence through socialization. In A. Pick (Ed.), *Minnesota symposia on child psychology* (pp. 3-46). Minneapolis: University of Minnesota Press. <https://www.jstor.org/stable/10.5749/j.cttsmk0.4>
- Bennett, D. C., & Kerig, P. K. (2014). Investigating the construct of trauma-related acquired callousness among delinquent youth: Differences in emotion processing. *Journal of Traumatic Stress*, 27(4), 415-422. <https://doi.org/10.1002/jts.21931>
- Bowlby, J. (1977). The making and breaking of affectional bonds: I. Aetiology and psychopathology in the light of attachment theory. *The British journal of psychiatry*, 130(3), 201-210. <https://doi.org/10.1192/bjp.130.3.201>
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5701_13
- Colins, O. F., Andershed, H., Frogner, L., Lopez-Romero, L., Veen, V., & Andershed, A. K. (2014). A new measure to assess psychopathic personality in children: The Child Problematic Traits Inventory. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 36(1), 4-21. <https://doi.org/10.1007/s10862-013-9385-y>
- Ersine, H. E., Ferrari, A. J., Polanczyk, G. V., Moffitt, T. E., Murray, C. J., Vos, T., Whiteford, H. A., & Scott, J. G. (2014). The global burden of conduct disorder and attention-deficit/hyperactivity

- disorder in 2010. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 55(4), 328-336. <https://doi.org/10.1111/jcpp.12186>
- Esfandiari, G. (1994). Comparison of mother's parenting methods in two groups of children with behavioral disorders and the effect of mother's education in reducing behavioral disorders. *Master's thesis. Clinical Psychology*. Faculty of Behavioral Sciences. Tehran Psychiatric Research Institute. (In Persian)
- Essau, C. A., Sasagawa, S., & Frick, P. J. (2006). Callous-unemotional traits in a community sample of adolescents. *Assessment*, 13(4), 454-469. <https://doi.org/10.1177/1073191106287354>
- Farzad, V., Emamipour, S., & Vakil Qahani, F. (2011). Investigating the reliability, validity, and norming of the children's symptom questionnaire. *Psychological Research Quarterly*, 3(11), 47-57. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/1070211?FullText=FullText> (In Persian)
- Frick, P. J., Cornell, A. H., Barry, C. T., Bodin, S. D., & Dane, H. E. (2003). Callous-unemotional traits and conduct problems in the prediction of conduct problem severity, aggression, and self-report of delinquency. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 31(4), 457-470. <https://doi.org/10.1023/a:1023899703866>
- Frick, P. J., & Ray, J. V. (2015). Evaluating callous-unemotional traits as a personality construct. *Journal of Personality*, 83(6), 710-722. <https://doi.org/10.1111/jopy.12114>
- Frick, P. J., Stickle, T. R., Dandreaux, D. M., Farrell, J. M., & Kimonis, E. R. (2005). Callous-unemotional traits in predicting the severity and stability of conduct problems and delinquency. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 33(4), 471-487. <https://doi.org/10.1007/s10648-005-5728-9>
- Gadow, K. D., & Sprafkin, J. (2005). The symptom inventories: An annotated bibliography [On-line]. Available: <https://www.checkmateplus.com/>
- Gill, A. D., & Stickle, T. R. (2015). Affective differences between psychopathy variants and genders in adjudicated youth. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 44(3), 295-307.
- Glenn, A. L. (2019). Early life predictors of callous-unemotional and psychopathic traits. *Infant Mental Health Journal*, 40(1), 39-53. <https://doi.org/10.1002/imhj.21757>
- Grusec, J. E., & Goodnow, J. J. (1994). Impact of parental discipline methods on the child's internalization of values: A reconceptualization of current points of view. *Developmental Psychology*, 30(1), 4-19. <https://doi.org/10.1037/0012-1649.30.1.4>
- Haghshenas, H. (2009). *Personality psychology: NEO Tests, personality and character tests, personality disorders*. Shiraz: Fars University of Medical Sciences and Health Services. (In Persian)
- Hawes, D. J., Dadds, M. R., Brennan, J., Rhodes, T., & Cauchi, A. (2013). Revisiting the treatment of conduct problems in children with callous-unemotional traits. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 47(7), 646-653. <https://doi.org/10.1177/0004867413484092>
- Hawes, D. J., Dadds, M. R., Frost, A. D., & Hasking, P. A. (2011). Do childhood callous-unemotional traits drive change in parenting practices?. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 40(4), 507-518. <https://doi.org/10.1080/15374416.2011.581624>
- Henry, J., Dionne, G., Viding, E., Vitaro, F., Brendgen, M., Tremblay, R. E., & Boivin, M. (2018). Early warm-rewarding parenting moderates the genetic contributions to callous-unemotional traits in childhood. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 59(12), 1282-1288. <https://doi.org/10.1111/jcpp.12918>
- Kemp, E. C., Boxer, P., & Frick, P. J. (2020). Treating conduct problems, aggression, and antisocial behavior in children and adolescents. In R. G. Steele & M. C. Roberts (Eds.), *Handbook of evidence-based therapies for children and adolescents: bridging science and practice* (pp. 203-

- 218). Kansas: Springer: Cham. International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-44226-2_14
- Kerig, P. K., & Becker, S. P. (2010). From internalizing to externalizing: Theoretical models of the processes linking PTSD to juvenile delinquency. In S. J. Egan (Ed.), *posttraumatic stress disorder (PTSD): Causes, symptoms and treatment* (pp. 33–78). Hauppauge, NY: Nova Science Publishers.
- Kim, H., & Chang, H. (2019). Longitudinal association between children's callous-unemotional traits and social competence: Child executive function and maternal warmth as moderators. *Frontiers in Psychology*, 10, Article 379. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.00379>
- Kimonis, E. R., Fanti, K. A., Frick, P. J., Moffitt, T. E., Essau, C., Bijttebier, P., & Marsee, M. A. (2015). Using self-reported callous-unemotional traits to cross-nationally assess the DSM-5 'With Limited Prosocial Emotions' specifier. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 56(11), 1249-1261. <https://doi.org/10.1111/jcpp.12357>
- Kimonis, E. R., Frick, P. J., Skeem, J. L., Marsee, M. A., Cruise, K., Munoz, L. C., Aucoin, K. J., & Morris, A. S. (2008). Assessing callous-unemotional traits in adolescent offenders: Validation of the inventory of callous-unemotional traits. *International Journal of Law and Psychiatry*, 31(3), 241-252. <https://doi.org/10.1016/j.ijlp.2008.04.002>
- Kimonis, E. R., Fanti, K. A., & Singh, J. P. (2014). Establishing cut-off scores for the parent-reported inventory of callous-unemotional traits. *Archives of Forensic Psychology*, 1(1), 27-48. <https://gnosis.library.ucy.ac.cy/handle/7/37412>
- Kliem, S., Lohmann, A., Neumann, M., Glaubitz, C., Haselbach, S., Bergmann, M. C., & Baier, D. (2020). Factor structure of the inventory of callous-unemotional traits in a representative sample of German 9th grade students. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 48(1), 43-55. <https://doi.org/10.1007/s10802-019-00590-x>
- Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling* (4th ed.). New York, NY: The Guilford Press
- Kohlhoff, J., Mahmood, D., Kimonis, E., Hawes, D. J., Morgan, S., Egan, R., Niec, L. N., & Eapen, V. (2020). Callous-unemotional traits and disorganized attachment: Links with disruptive behaviors in toddlers. *Child Psychiatry & Human Development*, 51(3), 399-406. <https://doi.org/10.1007/s10578-019-00951-z>
- Kokkinos, C. M., & Voulgaridou, I. (2017). Links between relational aggression, parenting and personality among adolescents. *European Journal of Developmental Psychology*, 14(3), 249-264. <https://doi.org/10.1080/17405629.2016.1194265>
- Kotov, R., Gamez, W., Schmidt, F., & Watson, D. (2010). Linking "big" personality traits to anxiety, depressive, and substance use disorders: a meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 136(5), 768–821. <https://doi.org/10.1037/a0020327>
- Latzman, R. D., Malikina, M. V., Hecht, L. K., Lilienfeld, S. O., & Chan, W. Y. (2016). The contribution of personality and refugee camp experience to callous and unemotional traits among immigrant adolescents in the United States: Implications for the DSM-5 "limited prosocial emotions" specifier. *Child Psychiatry & Human Development*, 47(2), 215-225. <https://doi.org/10.1007/s10578-015-0558-7>
- Liu, B., Yang, Y., Geng, J., Cai, T., Zhu, M., Chen, T., & Xiang, J. (2022). Harsh parenting and children's aggressive behavior: A moderated mediation model. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(4), 2403. <https://doi.org/10.3390/ijerph19042403>
- Lynam, D. R., & Miller, J. D. (2015). Psychopathy from a basic trait perspective: The utility of a five-factor model approach. *Journal of Personality*, 83(6), 611-626. <https://doi.org/10.1111/jopy.12132>

- Lynam, D. R., & Widiger, T. A. (2007). Using a general model of personality to identify the basic elements of psychopathy. *Journal of Personality Disorders*, 21(2), 160-178. <https://doi.org/10.1521/pedi.2007.21.2.160>
- Mann, F. D., Paul, S. L., Tackett, J. L., Tucker-Drob, E. M., & Harden, K. P. (2018). Personality risk for antisocial behavior: Testing the intersections between callous-unemotional traits, sensation seeking, and impulse control in adolescence. *Development and psychopathology*, 30(1), 267-282. <https://doi.org/10.1017/S095457941700061X>
- Masten, C. L., Guyer, A. E., Hodgdon, H. B., McClure, E. B., Charney, D. S., Ernst, M., Kaufman, J., & Monk, C. S. (2008). Recognition of facial emotions among maltreated children with high rates of post traumatic stress disorder. *Child Abuse & Neglect*, 32(1), 139-153. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2007.09.006>
- McCrae, R. R., & Costa, P. T., Jr. (2004). A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory. *Personality and Individual Differences*, 36(3), 587-596. [https://doi.org/10.1016/S0191-8869\(03\)00118-1](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(03)00118-1)
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (2003). *Personality in adulthood: A five-factor theory perspective* (2nd ed.). Guilford Press. <https://doi.org/10.4324/9780203428412>
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1985). Updating Norman's "adequacy taxonomy": Intelligence and personality dimensions in natural language and in questionnaires. *Journal Of Personality and Social Psychology*, 49(3), 710-721. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.49.3.710>
- Mohamadesmaiel, E., & Alipour, A. (2002). A Preliminary study on the reliability, validity and cut off points of the disorders of children symptom inventory-4 (CSI-4). *Journal of Exceptional Children*, 2(3): 239-254. <http://joec.ir/article-1-484-en.html> (In Persian)
- Morales-Vives, F., Cosi, S., Lorenzo-Seva, U., & Vigil-Colet, A. (2019). The inventory of callous-unemotional traits and antisocial behavior (INCA) for young people: Development and validation in a community sample. *Frontiers in Psychology*, 10, 713. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.00713>
- Nie, T., Yan, Q., & Chen, Y. (2022). Authoritative parenting style and proactive behaviors: evidence from China?. *Sustainability*, 14(6), 3435. <https://doi.org/10.3390/su14063435>
- Nyhus, E. K., & Webley, P. (2013). The relationship between parenting and the economic orientation and behavior of Norwegian adolescents. *The Journal of Genetic Psychology: Research and Theory on Human Development*, 174(6), 620-641. <https://doi.org/10.1080/00221325.2012.754398>
- Ono, Y., Takaesu, Y., Nakai, Y., Ichiki, M., Masuya, J., Kusumi, I., & Inoue, T. (2017). The influence of parental care and overprotection, neuroticism and adult stressful life events on depressive symptoms in the general adult population. *Journal of Affective Disorders*, 217, 66-72. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2017.03.058>
- Palizian, A., Mehrabizadeh Honarmand, M., & Arshadi, N. (2020). Psychometric properties of youth's inventory of callous unemotional traits (icu-yv) in male teenagers. *Clinical Psychology and Personality*, 15(1), 201-211. https://cpap.shahed.ac.ir/article_2810.html?lang=en (In Persian)
- Pardini, D. A., Lochman, J. E., & Powell, N. (2007). The development of callous-unemotional traits and antisocial behavior in children: Are there shared and/or unique predictors?. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 36(3), 319-333. <https://doi.org/10.1080/15374410701444215>
- Pasalich, D. S., Dadds, M. R., Hawes, D. J., & Brennan, J. (2011). Do callous-unemotional traits moderate the relative importance of parental coercion versus warmth in child conduct problems? An observational study. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 52(12), 1308-1315. <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2011.02435.x>

- Pasalich, D. S., Dadds, M. R., Hawes, D. J., & Brennan, J. (2012). Attachment and callous-unemotional traits in children with early-onset conduct problems. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 53(8), 838-845. <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2012.02544.x>
- Patrick, M. (2021). Family environment, child temperament, and callous-unemotional behaviors in early childhood. *Doctoral dissertation*. Undergraduate research theses and honors research theses from the College of Arts and Sciences, The Ohio State University. Ohio. <http://hdl.handle.net/1811/92523>
- Plessen, C. Y., Franken, F. R., Ster, C., Schmid, R. R., Wolfmayr, C., Mayer, A. M., ... & Tran, U. S. (2020). Humor styles and personality: A systematic review and meta-analysis on the relations between humor styles and the Big Five personality traits. *Personality and Individual Differences*, 154, 109676. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109676>
- Poore, H. E., Watts, A. L., Lilienfeld, S. O., & Waldman, I. D. (2020). Construct validity of youth psychopathic traits as assessed by the Antisocial Process Screening Device. *Psychological Assessment*, 32(6), 527–540. <https://doi.org/10.1037/pas0000809>
- Portnoy, J., Cui, N., Raine, A., Frazier, A., Rudo-Hutt, A. S., & Liu, J. (2020). Autonomic nervous system activity and callous-unemotional traits in physically maltreated youth. *Child Abuse & Neglect*, 101, Article 104308. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.104308>
- Romero, E., & Alonso, C. (2017). Callous-unemotional traits and the five factor model in adolescents. *Personality and Individual Differences*, 106, 268-274. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.10.056>
- Salavera, C., Usán, P., & Quilez-Robres, A. (2022). Exploring the effect of parental styles on social skills: The mediating role of affects. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(6), 3295. <https://doi.org/10.3390/ijerph19063295>
- Sharf, A., Kimonis, E. R., & Howard, A. (2014). Negative life events and posttraumatic stress disorder among incarcerated boys with callous-unemotional traits. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 36(3), 401–414. <https://doi.org/10.1007/s10862-013-9404-z>
- Strassberg, Z., Dodge, K. A., Pettit, G. S., & Bates, J. E. (1994). Spanking in the home and children's subsequent aggression toward kindergarten peers. *Development and Psychopathology*, 6(3), 445-461. <https://doi.org/10.1017/S0954579400006040>
- Takahashi, N., Suzuki, A., Matsumoto, Y., Shirata, T., & Otani, K. (2017). Perceived parental affectionless control is associated with high neuroticism. *Neuropsychiatric Disease and Treatment*, 13, 1111–1114. <https://doi.org/10.2147/NDT.S132511>
- Taubner, S., Gablonski, T-C., & Fonagy, P. (2019). Conduct disorder. In: Bateman, A and Fonagy, P, (eds.) *Handbook of mentalizing in mental health practice*. American Psychiatric Association Publishing: Washington DC, USA.
- Tomšik, R., & Cerešník, M. (2017). Adolescent's personality through big five model: the relation with parenting styles. *Ad Alta: Journal of Interdisciplinary Research*, 7(2).225-231. https://www.magnanimitas.cz/ADALTA/0702/papers/A_tomsik.pdf
- Trentacosta, C. J., Waller, R., Neiderhiser, J. M., Shaw, D. S., Natsuaki, M. N., Ganiban, J. M., Reiss, D., Leve, L. D., & Hyde, L. W. (2019). Callous-unemotional behaviors and harsh parenting: Reciprocal associations across early childhood and moderation by inherited risk. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 47(5), 811-823. <https://doi.org/10.1007/s10802-018-0482-y>
- Wagner, N. J., Mills-Koonce, W. R., Willoughby, M. T., Zvara, B., Cox, M. J. & The Family Life Project Key Investigators. (2015). Parenting and children's representations of family predict disruptive and callous-unemotional behaviors. *Developmental Psychology*, 51(7), 935–948. <https://doi.org/10.1037/a0039353>
- Waldman, I. D., Tackett, J. L., Van Hulle, C. A., Applegate, B., Pardini, D., Frick, P. J., & Lahey, B. B. (2011). Child and adolescent conduct disorder substantially shares genetic influences with three

- socioemotional dispositions. *Journal of Abnormal Psychology*, 120(1), 57–70. <https://doi.org/10.1037/a0021351>
- Waller, R., Gardner, F., & Hyde, L. W. (2013). What are the associations between parenting, callous–unemotional traits, and antisocial behavior in youth? A systematic review of evidence. *Clinical Psychology Review*, 33(4), 593–608. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2013.03.001>
- Yockey, R. A., King, K. A., & Vidourek, R. A. (2019). Family factors and parental correlates to adolescent conduct disorder. *Journal of Family Studies*, 27(3), 356–365. <https://doi.org/10.1080/13229400.2019.1604402>
- Zillig, L. M. P., Hemenover, S. H., & Dienstbier, R. A. (2002). What do we assess when we assess a Big 5 trait? A content analysis of the affective, behavioral, and cognitive processes represented in Big 5 personality inventories. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28(6), 847–858. <https://doi.org/10.1177/0146167202289013>

The Mediating Role of Personality Traits in the Relationship between Parenting Style and Callous-Unemotional Traits

Fatemeh kargar¹  , Ghasem Norouzi¹  , Amir Ghamarani^{1*}  

1. Department of Psychology of People with Special Needs, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

* **Corresponding author:** Associate Professor, Department of Psychology of People with Special Needs, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: a.ghamarani@edu.ui.ac.ir

Extended Abstract

Objective: Conduct disorder is regarded as one of the most prevalent psychiatric disorders (Yockey, King & Vidourek, 2021), representing one-third to half of the total population of clinic attendees (Taubner, Gablonski & Fonagy, 2019). Callous-unemotional traits are recognized as a characteristic and one of the features of conduct disorder in the fifth edition of the Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5) (Awada, Ellis, Shelleby & Orcutt, 2022). One factor influencing conduct disorder and callous-unemotional traits is parenting style. Parenting styles refer to the approaches parents use in raising their children. These styles significantly impact the formation and development of an individual's personality, perception, and behavior (Nie, Yan, & Chen, 2022). Given that this disorder and its associated traits impose significant material and emotional burdens on individuals and society and predict subsequent challenges in adolescence and adulthood (Kemp, Boxer & Frick, 2020), identifying the influencing factors is essential. Therefore, the present study aims to explore the mediating role of personality traits in the relationship between parenting style and callous-unemotional traits.

Research method: The current research design is descriptive and correlational, examining the relationships among the variables of the proposed model through structural equation modeling. The statistical population of the research was included the male students of the first-year secondary school who were studying in Qom in 2021. The research sample was selected during two stages. Firstly, students with conduct disorder were identified based on the Children Symptom Inventory (CSI-۴) Gadow & Sprafkin (2005). Then, in the next step, according to the theory of Klein (2016), which was stated “the acceptable sample size for conducting structural equations has to be ۲/۵ to ۵ times the number of objects”, therefore, by using Convenience Sampling Method, 451 male students with conduct disorder who were willing to cooperate were selected. After that, in the next step, the research questionnaires were including the Parenting Style Inventory (PSI) by Baumrind (1973); the Inventory Callous-Unemotional (ICU) by palizban et al. (2020); and the Neuroticism-Extraversion-Openness Five-Factor Inventory (NEO-FFI) by McCrae & Casta (2004); were given to the adolescents and their mothers to complete. Then, the data was analyzed by using the Pearson Correlation and the Structural Equation Modeling through using SPSS version 21 and AMOS version 24.

Findings: A total of 435 adolescent boys with conduct disorder participated in this research, aged between 13 and 15 years. Of the mothers, 78.9% had an education level below junior high school, and 83% were homemakers.

The results of this research showed that the Authoritarian Parenting Style, and the Permissive Parenting Style had significant and direct effect on callous-unemotional traits. In addition, among the personality traits, only the neuroticism was related to the Permissive Style, the Authoritarian Style, and the Callous-unemotional traits. The path analysis indicated that psychological distress partially mediates the relationship between authoritarian parenting style and callous-unemotional traits. In contrast, the path from permissive parenting style to psychological distress was not significant, suggesting that psychological distress does not mediate the relationship between permissive parenting style and callous-unemotional traits.

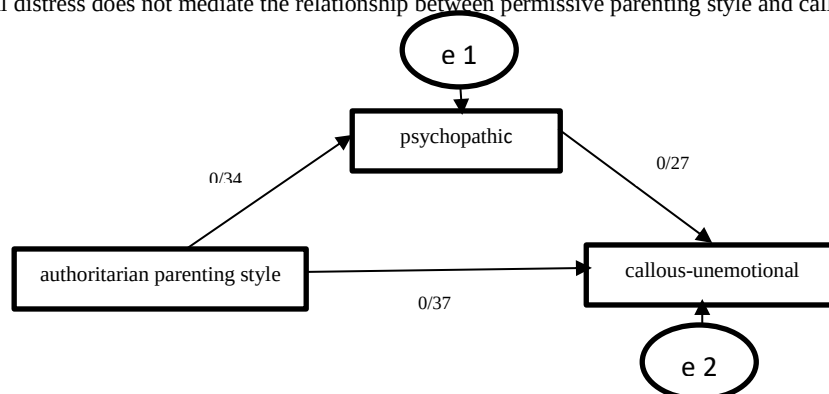


Figure 1. Standard coefficient of the ruthlessness-cruelty model with authoritarian style mediated by psychological distress

Conclusion: According to the findings of the present study, the parenting style can protect adolescent with conduct disorder from the severity of callous-unemotional traits through influencing personality traits (Waller et al., 2013; Kohlhoff et al., 2020). The family environment plays a significant role in the development of callous-unemotional behaviors in the early childhood. One of the important aspects of the family environment includes parent-child relationships. Adverse parenting and poor parental management result in limited self-control among children and adolescents, contributing to the emergence of callous-unemotional traits, which are marked by a lack of concern for others' distress. Research findings also suggest that permissive and authoritarian parenting styles predict neuroticism. Harsh and authoritarian parenting approaches lead to maladjustment and nonconformity in children, steering them toward neurotic behaviors. In fact, parents' indifference or failure to promote independence fosters the development of an anxious attachment style in the individual (Bowlby, 1977). Consequently, this individual, lacking a secure base, tends to avoid exploring their environment, which hinders the development of traits such as openness to experience and extraversion. Ultimately, the results indicated that among various personality traits, only neuroticism acts as a mediator in the relationship between authoritarian parenting and callous-unemotionality. When children endure unpleasant interactions with their caregivers (for instance, harsh behaviors, lack of sensitivity, or unresponsiveness from parents), they are likely to form unrealistic perceptions of themselves and others, which impacts their emotional growth (Wagner et al., 2015). These emotions encompass self-conscious feelings of empathy and guilt, and the absence of these feelings is indicative of callous-unemotional traits (Patrick, 2021). In conclusion, it is important to note that parenting styles will have different effects based on the individual characteristics of each person. This implies that there is no single correct style for parenting; rather, parenting should be tailored to individual traits and environmental conditions (Salavera et al., 2022).

Parenting behavior, or child-rearing, is portrayed as a hopeful and potentially changeable factor. By modifying parenting methods, there exists the possibility for individual change and the attainment of positive outcomes. The limitations of the recent research can be pointed to being cross-sectional and using self-report forms. The research findings suggested that longitudinal research could be done in this field and on other gender groups and checking whether there is a gender difference in the severity of symptoms and areas of occurrence of symptoms. Finally, according to the factors affecting callous-unemotional, the results of this research is recommended to design a treatment program that takes into account both parenting characteristics and personality characteristics because only paying attention to one aspect will not help much, and working on the teenager or parent alone has a function similar to repairing, while we need reconstruction, this will only be provided by considering both parties involved. The provided data appears to represent a correlation matrix, showing the relationships among various psychological variables and parenting styles.

Key words: Callous-Unemotional Traits, Parenting, Personality

Ethical considerations

The ethical considerations of the research included a complete explanation of the objectives and methods, respecting the rights of participants regarding their ability to withdraw or not participate, and ensuring that their names were not mentioned in the information forms to maintain the confidentiality of the data. This research was conducted with the ethical committee approval code received from the University of Isfahan, number IR.UI.REC.1401.113.

Appreciation and thanks and financial support

I would like to express my sincere gratitude to all those who assisted in conducting this research, especially the parents of adolescents with conduct disorder. This research did not receive any financial support.

Conflict of interest

There is no conflict of interest in this research.

In Press